

تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر دلبستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران*

مهندس زهرا خدائی**، دکتر مجتبی رفیعیان***، دکتر هاشم داداش‌پور****، دکتر علی‌اکبر تقوایی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۰۴

چکیده

هدف کلی از پژوهش حاضر، سنجش مؤلفه‌های اثرگذار بر دلبستگی به مکان و تبیین معناداری یا عدم معناداری آنها در محله‌های منتخبی از شهر تهران است. این تحقیق با تبیین شاخص‌های اثرگذار بر دلبستگی به مکان که دربرگیرنده هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوندهای اجتماعی است، به اندازه‌گیری و مقایسه آنها پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با توزیع ۴۷۵ پرسش‌نامه در میان نوجوانان رده سنی ۱۲ تا ۱۶ ساله از میان محله‌های الهیه، نارمک، هاشمی و یافت‌آباد که به روش طبقه‌ای سیستماتیک انتخاب شده بودند، گردآوری شد. در مجموع نتایج آزمون Tukey نشان داد که از نظر شاخص دلبستگی، دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دلبستگی بیشتری به محله‌شان داشتند.

واژه‌های کلیدی

پیوندهای اجتماعی، دلبستگی به مکان، نوجوانان، وابستگی به مکان، هویت مکان

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول در رشته شهرسازی با عنوان «تبیین ظرفیت‌های اجتماعی-مکانی محیط‌های عمومی شهری در ارتقاء دلبستگی به مکان، از منظر گروه نوجوان در شهر تهران» است که تحت راهنمایی نگارنده دوم و سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

Email: z.khodae@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

Email: rafiein_m@modares.ac.ir

*** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. (مسئول مکاتبات)

Email: h_dadashpoor@modares.ac.ir

**** استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

Email: taghvaea@modares.ac.ir

***** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

مبانی نظری

دلبستگی به مکان و متغیرهای اثرگذار بر آن

مطالعات در زمینه دلبستگی برای اولین بار در ارتباط بین کادر درمان و کودک و این که چگونه کودکان در فرایند درمان، اعتماد خود را به کادر درمان توسعه می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفت (دانسیپور و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۸). دلبستگی به مکان در واقع پدیده پیچیده و چندوجهی است که شامل جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم-مکان همچون رفتار، احساس و آگاهی که عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند، است و دربرگیرنده احساس و تأثیرات، عقاید و باورها و رفتار و فعالیت در رابطه با مکان است (Altman & Low, 1992; Proshansky, 1983). اگر از زاویه نیازهای انسان نیز به این مسئله نظاره شود، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکانی که در آن زندگی می‌کند و یا به عبارتی «دلبستگی به مکان» از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که بایستی مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد. توجهات علمی به این موضوع، بحث جدیدی نیست و به‌سادگی با سایر حوزه‌های مرتبط با روان‌شناسی محیط درآمیخته است به نحوی که از طریق طیف گسترده‌ای از نقطه نظرات و رشته‌ها باهم تلاقی داشته‌اند. بنابراین، در میان سایر علوم رویکردهایی یافت می‌شود که از جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نشأت گرفته‌اند. به علت کاربرد دلبستگی به مکان در بسیاری از دیدگاه‌ها، تعاریف فراوانی برای آن شکل گرفته است. برای اغلب موارد، محققان، دلبستگی به مکان را به‌عنوان مفهومی چندوجهی به تصویر می‌کشیدند که علاقه‌های میان افراد و مکان‌های پراهمیتشان را توصیف می‌کرد (Altman & Low, 1992; Giuliani, 2003). با این حال، متغیرها در این تعریف گسترده هستند. جغرافیدانان انسانی بر این موضوع بحث می‌کنند که علاقه (پیوند) با مکان معنادار یا «حس مکان» پیوند عاطفی جهانی است که نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند (Relph, 1976; Tuan, 1980)، بعضی از محققان پیشنهاد کردند که حس مکان دربرگیرنده مفاهیم خردتری همچون هویت مکان، دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان (Jorgensen & Stedman, 2001)، یا پیوندهای اجدادی، حس در درون بودن و تمایل به ماندن در مکانی است (Hay, 1998). در ادبیات مربوط به مهاجرت و پناهندگی، تأکید عموماً بر لامکانی است که دلبستگی را از طریق شدت اشتیاق برای مکان‌هایی که از دست رفته است در نظر می‌گیرد. جامعه‌شناسان شهری و محققان اجتماعی، دلبستگی را در سطح خانه، محله و شهر قرار می‌دهند (Kasarda & Janowitz, 1974). حتی در این رشته‌ها، مدل‌های متفاوتی در تعریف دلبستگی به مکان دیده می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، دلبستگی به مکان بسته به ویژگی‌های اجتماعی (Woldoff, 2002)، ویژگی‌های کالبدی (Stokols & Shumaker, 1981) و یا ترکیبی از هر دو (Riger & Lavrakas, 1981) بیان می‌شود.

بررسی این احساس که مردم به سمت مکان‌هایی گرایش دارند که در آنجا به دنیا آمده و بزرگ‌شده‌اند و نقشی که این مکان‌ها در زندگی‌شان دارند، محور مطالعاتی است که توجه بسیار زیادی را در سال‌های اخیر بر روان‌شناسان محیطی گذارده است. مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسان نیست، بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا می‌بخشد و به آن دلبسته می‌شود تا آنجا که گاه حتی خود را با آن بازمی‌شناسد. مکان، فضای دارای معنا است، به همین دلیل مکان را قسمتی از فضا که به‌وسیله روابط اجتماعی مشخص می‌شود، تعریف می‌کنند. بدین ترتیب واقعیت یک مکان همواره پذیرای آن است که تعریف خود را در دل یک فرایند اجتماعی جای دهد (مدیری، ۱۳۸۷، ۷۰). مکان‌هایی که به آنها عادت می‌شود، به‌وفور معنای عمیقی را در برمی‌گیرد که بر دلبستگی‌های احساسی و عاطفی بسیار قوی تمرکز می‌کند، همان‌طور که رلف تأکید می‌کند: «هرکسی عملاً ارتباط و آگاهی از محیطی که در آن به دنیا می‌آید، بزرگ می‌شود و به‌طور خاص تجربه کسب می‌کند را به دست می‌آورد. این پیوند منبعی حیاتی از امنیت و هویت فرهنگی و فردی را شکل می‌دهد». بررسی گفتمان احساسات عاطفی مردم به مکان (ها) مملو از منابع مختلفی است که در میان چندین مفهوم کلیدی، مشابهت [معنایی] دارند. این مفاهیم شامل دلبستگی به مکان، توپوفیلیا، در درون بودن، هویت مکان و حس مکان/ریشه‌داری است. هرچند، اشتراکاتی میان عواملی مانند علاقه‌های عاطفی، وابستگی، الزامات رفتاری، رضایت و تعلق که کمابیش مرتبط با توصیفات نظری فوق هستند، دیده می‌شود اما ابهام و عدم شفافیت در مورد روابط میان این مفاهیم به پیچیدگی این حوزه مطالعاتی دامن می‌زند.

این مقاله با درک اهمیت رویکرد توجه به خواسته و نیاز گروه سنی و جنسی (۱۲-۱۶ ساله)، به دنبال بررسی شاخص‌های مؤثر جهت ارتقاء دلبستگی به مکان در شهر تهران است. با در نظر گرفتن نقش محله به‌عنوان یک عنصر بااهمیت در محیط‌های عمومی شهری و ضرورت بهینه‌سازی آن برای پاسخگویی به بخشی از نیازهای اساسی زندگی شهری-نقشی که می‌تواند در جهت ارتقای کمی و کیفی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر مؤثر افتد- و همچنین تقویت مکانیسم حضور نوجوانان در محیط‌های عمومی شهری، تلاش می‌شود با اتخاذ نگرش‌های برنامه‌ریزانه، راه کارهای مداخله در جهت بهبود و افزایش اثربخشی دلبستگی نوجوانان در محلات منتخب از شهر تهران بر پایه دیدگاه‌های اخذشده از آنان، ارائه شود. سؤال اساسی در مقاله حاضر این است که آیا بین مؤلفه‌های هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوندهای اجتماعی، از منظر گروه نوجوان (رده سنی ۱۲ تا ۱۶ ساله) که تبیین‌کننده شاخص دلبستگی به مکان هستند، تفاوت معنی‌داری در محلات منتخب وجود دارد؟

افزایش دلبستگی در سال‌های اولیه سکونت شکل می‌گیرد. متغیر نزدیک و مرتبط با طول مدت اقامت، «تحرک یا جابجایی» است. جابجایی می‌تواند اشکال مختلفی را در برگیرد و بر پیوندهای مکانی به شیوه‌های گوناگون تأثیر بگذارد (Gustafson, 2001). در واقع جابجایی یک نوع تغییر است که به‌عنوان مثال افرادی در یک مکان ثابت زندگی می‌کنند ولی برای انجام کار ناچارند سفرهای طولانی به شهر دیگری داشته باشند، می‌تواند به سطوح مختلفی از دلبستگی در مکان‌های ثابت زندگی افراد منجر شود. تحقیقات نشان داده است که تحرک در برخی افراد منجر به کاهش دلبستگی اما در برخی دیگر، دلبستگی افراد با گفتن جمله «دوری از خانه دلنگی‌ام را برای بودن در آن بیشتر کرده است» افزایش می‌دهد (Case, 1996; Terkenli, 1995). بررسی‌ها نشان داده است که جابجایی می‌تواند شکل هویت مکانی را تغییر دهد. فدلمن^۳ (۱۹۹۰) نشان داد که هر چه در جوامع جابجایی بیشتر باشد، مردم از دلبستگی به مکان‌های ثابت به طرف شکل جدیدی از هویت یعنی «هویت سکونتگاهی»^۴ - مانند دلبستگی به دسته‌های کلی مکان مانند «انسان شهرنشین»، «فرد روستایی» پیش می‌روند.

متغیر اجتماعی - جمعیتی دیگر که متغیری هم‌سو با دلبستگی به مکان است، «مالکیت خانه» است (Brown et al., 2003)، متغیری که به‌واسطه پیوند نزدیک با دلبستگی در اندازه‌گیری‌ها از سوی محققان به‌کاررفته می‌شود. سایر متغیرها همچون وضعیت اجتماعی - اقتصادی، آموزش، سن که الگوهای نامنظمی از ارتباط با دلبستگی به مکان، گاهی مثبت و گاهی منفی را نشان می‌دهند، پیشنهاد شده است که متأثر از متغیرهای بیشتری هستند. به‌عنوان مثال لویکا^۵ (۲۰۱۱) پی برد که شکل ارتباط میان دلبستگی به مکان از یک طرف و سن و آموزش از طرف دیگر به نوع دلبستگی وابسته هستند. در حالی که دلبستگی روزمره و عادی قویاً ارتباط منفی با آموزش و ارتباط مثبت با سن دارد، شکل فعال‌تر دلبستگی یک ارتباط معکوس U شکل با سن و ارتباط مثبت خطی با آموزش را نشان داد. تعداد بستگان در یک مکان و مالکیت مسکن نیز حس دلبستگی را افزایش می‌دهند. دلبستگی به مکان از طریق تماس‌های روزانه با محیط و محله، جشن‌های فصلی، حفظ شخصیت و مکان، نگهداری مکان و باورها در مورد خانه و محله تغذیه می‌شود (Brown et al., 2003). براساس تحقیقات گذشته، دلبستگی به مکان همچنین مرتبط با سرمایه‌های مالی و زمانی، انسجام اجتماعی و کنترل و کاهش ترس از جرم است. ساختارهای مذهبی و مقدس نیز می‌توانند پیوندهای اجتماعی را تقویت بخشند (Kamalipour et al., 2012).

متغیرهای اجتماعی: که در واقع پیوندهای اجتماعی را در برمی‌گیرند، به روش‌های مختلفی عملیاتی می‌شوند اما همگی در «سرمایه اجتماعی محلی» اندازه‌گیری می‌شوند؛ مانند توان و گستره پیوندهای همسایگی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی در محله (Bonaiuto et al., 1999).

اصطلاح دلبستگی به مکان، اشاره به علاقه‌ها یا پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص و دربرگیرنده محله‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. دلبستگی به مکان عموماً به‌عنوان اثرات مثبت از سوی افراد و همسایگان در نظر گرفته می‌شود. برای افراد، دلبستگی به مکان؛ امنیت، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حس هویت را به همراه دارد و برای محله و همسایگان منجر به پیدایش محیط‌هایی منسجم و باثبات می‌شود که مردم در آن نقش فعالی را ایفا می‌نمایند. بنابراین، دلبستگی به مکان نقطه عطفی برای سیاست‌گذاران است تا بتوانند اجتماعات پایدار را ایجاد کرده و آن را ارتقاء دهند (Livingston et al., 2008). در این راستا، مردم پیوندهای عاطفی خود را با مکان گسترش می‌دهند که این امر منجر به رضایت خاطر آنان شده به طوری که مکان اجازه کنترل، پرورش خلاقیت، امنیت و آرامش و فراهم کردن قلمرو شخصی را ایجاد می‌کند (Altman & Low, 1992). با این حال، پیوندها نیز مستلزم ارزیابی و تمایز بیشتر در رابطه با جنبه‌هایی از معیارهای عینی مانند طول مدت اقامت و مشارکت در ناحیه محلی و شبکه‌های اجتماعی می‌باشند. بنابراین دلبستگی، مردم را نیز دخیل می‌کند زیرا ارتباطات اجتماعی یک مکان به‌طور جداناپذیری وابسته به فرایند دلبستگی است. این اجماع نظر از سوی آلمن و لو (۱۹۹۲) به این مهم ختم شد که «... دلبستگی نه تنها در ساختار کالبدی مکان بلکه عمدتاً در معنا و تجربه در مکان که اغلب روابط میان مردم با یکدیگر را شامل می‌شود، وابسته است». از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در خصوص متغیرهای دلبستگی به مکان می‌توان به سه گروه اصلی متغیرهای جمعیتی - اجتماعی، متغیرهای اجتماعی و متغیرهای محیطی - کالبدی اشاره کرد.

متغیرهای جمعیتی - فرهنگی: می‌تواند تحت تأثیر طول مدت اقامت ساکنان، وضعیت اجتماعی و آموزش، مالکیت مسکن، اندازه محله، داشتن فرزند، تحرک (جابجایی) اجتماعی و گستره آن قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین متغیرهای قابل توجه که به اندازه‌گیری دلبستگی به مکان کمک زیادی می‌کند، طول مدت سال‌های سکونت است. در این میان، طول مدت اقامت ساکنان بی‌هیچ شبهه‌ای براساس تحقیقات صورت گرفته از سوی محققانی همچون (Lalli, 1992; Hay, 1998; Bonaiuto et al., 1999; Brown et al., 2003; Fleury-Bahi et al., 2008; Gustafson, 2001; Lewicka, 2011) و بسیاری افراد دیگر، متغیر مثبت و سازگاری از دلبستگی ساکنان به مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند (عموماً محله) است. در بسیاری موارد، مردمی که به مدت طولانی در یک مکان زندگی می‌کنند، دلبستگی بیشتری به مکان نشان می‌دهند (Hidalgo & Hernandez., 2001). طول مدت سکونت می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دلبستگی را پیش‌بینی نماید. در مطالعه‌ای که از سوی لالی^۲ (۱۹۹۲) صورت گرفته بود، دلبستگی به مکان با طول مدت اقامت ساکنان دارای یک رابطه خطی بود؛ یعنی هر چه طول مدت اقامت بیشتر باشد، دلبستگی نیز افزایش خواهد یافت. با این وجود، بیشترین

ساختمان، حجم و تراکم ساختمان، میزان فضای سبز، دسترسی به انواع متنوعی از خدمات، مکان زندگی و نگهداری با یکدیگر ترکیب می‌شوند که در ارتباط با سنجش دل‌بستگی به مکان، بسیار گسترده بوده است. هرچند در تحقیقات گسترده، نقش شاخص‌های اجتماعی (تقویت پیوندهای اجتماعی) در دل‌بستگی به مکان عمیقاً بالا بوده است اما شاخص‌های کالبدی نیز از ارزش بالایی برخوردار بوده و در بعضی موارد، بالاترین واریانس دل‌بستگی متأثر از این شاخص‌ها بوده است. به‌عنوان نمونه فراید^{۱۱} (۱۹۸۲) در مطالعه گسترده‌ای در میان ۴۲ شهرداری در آمریکا، به این نتیجه رسید که رضایت سکونتگاهی از طریق ویژگی‌های کالبدی (عینی) نسبت به عوامل اجتماعی بهتر پیش‌بینی شد. شاخص‌های کالبدی نیز ارتباطات اجتماعی را تسهیل کرده و بر دل‌بستگی به مکان به‌طور غیرمستقیم اثر می‌گذارد به‌طوری‌که تغییرات در محیط کالبدی، انواع کاربری‌ها و فعالیت‌های خیابانی می‌تواند به پاک شدن آنچه در اجتماع محلی دارای معنا و هویت بوده است، بیانجامد. فقدان معنا در مکان به‌طور معکوسی بر حس مکان و هویت تأثیر می‌گذارد. در شرایط کلی، تضعیف حس مکان از طریق جهانی‌شدن اقتصاد، تولیدات همسان و محیط‌های عمومی شهری با اتصالات اندک به چشم‌اندازهای محلی، زیست بوم، تاریخ و فرهنگ تسهیل شده است. تجارب نشان داده است ساکنانی که دل‌بستگی بیشتری به مکان دارند اغلب مسن‌تر بوده و زمان زیادی را در محله سپری کرده‌اند. مالکیت مسکن نیز به‌عنوان سرمایه‌ای است که هم کیفیت محله و نیز دل‌بستگی به مکان را نشان می‌دهد (Brown *et al.*, 2003).

مؤلفه‌های اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان

دل‌بستگی به مکان نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان است و از مجموع ویژگی‌های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط کالبدی و ارزیابی آنها توسط بهره‌برداران ایجاد می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بر این اساس، دل‌بستگی به مکان با ویژگی‌های اجتماعی و فردی مخاطبان، میزان ارتباطات افراد در مکان و میزان مشارکت در مراسم جمعی ارتباط مستقیم دارد (Brown & Werner, 1985). دل‌بستگی به مکان به‌طور گسترده‌ای در مطالعات علوم رفتاری و اجتماعی در دو دهه گذشته موردبررسی قرار گرفته است. اکثر مطالعات موجود بر روی اندازه‌گیری و توصیف دامنه حس انسان نسبت به محیطی مشخص است. این حس با تعاریف و نام‌های متعددی ذکر شده که گاهی تبیین تفاوت‌های آن مشکل می‌شود. کلمه دل‌بستگی ارجاع به اثر و کلمه مکان ارجاع به قرارگاه رفتاری دارد که مردم به‌طور احساسی و فرهنگی به آن وابسته هستند. دل‌بستگی به مکان به‌طور کلی در دو سطح فردی و گروهی رخ می‌دهد. سطح فردی شامل رابطه شخصی فرد با مکان است. دل‌بستگی به مکان در بستریهایی که یادآور خاطرات شخصی هستند،

همسان و مثبتی، دل‌بستگی به مکان را اندازه‌گیری می‌کنند. اسکوپلیتی و تیبریو^۶ (۲۰۱۰) با بررسی غم غربت میان دانشجویان در رم دریافتند که شدت این احساس از طریق توان ادراک پیوندهای اجتماعی با محل زندگی پیش‌بینی می‌شود. لویکا (۲۰۱۱) نشان داد که ارتباطات نزدیک با همسایگان نه تنها دل‌بستگی با خانه و محله بلکه حتی ناحیه شهری و شهر را نیز در برمی‌گیرد. در واقع پیوندهای اجتماعی نزدیک در مکان سکونت، می‌تواند مکان را معنادارتر و پیوندهای عاطفی را تقویت کند. اما دل‌بستگی به مکان تمایل به ارتباط با همسایگان یا پیوندهای عاطفی با مکان را نیز افزایش می‌دهد. فراتر از پیوندهای موجود در اجتماعات محلی^۷، حس امنیت نیز اغلب به‌عنوان متغیری مثبت و همسان با دل‌بستگی به مکان موردبررسی قرار می‌گیرد به‌طوری‌که افزایش سطح جرم منجر به کاهش دل‌بستگی به مکان می‌شود. از دست رفتن تدریجی قلمرو عمومی، خاطرات مکان را از بین می‌برد و حس تعلق را کاهش می‌دهد. کاهش فعالیت‌های مرتبط با اجتماعات محلی و افزایش مهاجرت نیز منجر به فقدان دل‌بستگی ساکنان به محیط‌های زندگی‌شان می‌شود. در محله‌های پایدار، با کنترل اجتماعی و نظارت عمومی به محیط، اکثر سرمایه‌ها اختصاص به حفظ و تجدید آن می‌شود. افزایش پایداری اجتماعی به معنای تلاش بیشتر جهت حفظ کیفیت کالبدی مکان و حفاظت فیزیکی از ساکنان و دارایی‌های جمعی‌شان می‌شود. هر چه سطح دل‌بستگی به دارایی‌ها در محله بیشتر باشد، ساکنان تمایل بیشتری برای نگهداری مکان علیرغم مشکلات ایمنی و بهداشتی آن دارند.

متغیرهای کالبدی: در مقایسه با متغیرهای اجتماعی-جمعیتی که عملیاتی‌تر یا متغیرهای اجتماعی که با شاخص‌های مشخصی همچون پیوندهای محله‌ای یا حس امنیت اندازه‌گیری می‌شوند، تعداد ویژگی‌های کالبدی (شهری، طبیعی، معماری) که بر دل‌بستگی به مکان تأثیر می‌گذارند، بی‌نهایت است و انتخاب متغیرها انتخابی و در اکثر مواقع بر اساس سلیقه شخصی یا در مواردی، بسیار کلی است (مانند عوامل طبیعی یا کالبدی). مشکل دیگر، در سنجش و اندازه‌گیری متغیرها است؛ تخمین مشخصات کالبدی عموماً از شاخص‌های عینی (مانند اندازه یا تراکم ساختمان) به دست می‌آید. در مطالعه صورت گرفته توسط هور، ناسار و چان^۸ (۲۰۱۰) جهت برآورد برخی شاخص‌های کالبدی پایه از یک ناحیه (مانند تراکم ساختمان، نرخ فضای سبز و غیره) از اندازه‌گیری GIS و تصاویر ماهواره‌ای استفاده شد و با مطالعه ارتباط متغیرها با یکدیگر رضایت سکونتگاهی به دست آمد. همان‌طور که فلونیا^۹ (۲۰۰۴) نشان داد، مردمی که دل‌بستگی زیادی با شهرشان دارند، طبیعتاً ویژگی‌های کالبدی محل سکونت خود را رضایت‌بخش توصیف نموده‌اند. روش جدید در برآورد شاخص‌های ذهنی ابعاد کالبدی مکان، ادراک کیفیت سکونتگاهی محیط (REFQ)^{۱۰} است که برای اولین بار توسط محققان ایتالیایی (Bonaiuto *et al.*, 2003) پیشنهاد شد که در آن بخش زیادی از شاخص‌های کالبدی همچون ادراک زیبایی‌شناختی

جدول ۱. متغیرهای اثرگذار بر دلبستگی (Source: Kamalipour et al., 2012, 462)

ارزش	بعد	متغیر
مثبت	کالبدی	پایداری کالبدی، پایداری کارکردی، ویژگی‌های منحصربه‌فرد، فعالیت‌های سازگار، آسایش، فضای باز، امنیت، دسترسی، سرزندگی، تنوع، خوانایی
مثبت	اجتماعی	طول سال‌های اقامت، تعداد بستگان، مالکیت دارایی، وجهه مکان، برخوردهای روزانه، شخصیت مکان، باورها و اعتقادات مذهبی، دارایی‌های جمعی، رفتارهای جمعی، کنترل اجتماعی، کاهش ترس از جرم
منفی	کالبدی	توسعه ناموزون، تغییرات محیط کالبدی، تغییرات انواع کاربری‌ها، تغییر فعالیت‌ها، فقدان معنی، جهانی‌شدن خشک و رسمی، جهانی‌شدن اقتصادی، یکسان‌سازی (استانداردشدگی)
منفی	اجتماعی	جهانی‌شدن فرهنگی، رشد جرائم، کاهش هویت، فقدان مشارکت اجتماعی، مهاجرت

نیازمند توجهات بیشتری در تحقیقات دلبستگی به مکان است (Brown et al., 2003; Hidalgo & Hernandez, 2001). مؤلفه‌های شکل‌دهنده دلبستگی به مکان در بستر اجتماعی شامل تعلق به مکان: جایی که مردم احساس می‌کنند عضوی از محیط هستند (Mesch & Manor, 1998; Milligan, 1998)؛ ریشه‌داری مکان: اشاره به پیوندهای قوی به محل سکونت (Hay, 1998; Tuan, 1980)؛ حس آشنایی به مکان بیانگر خاطرات خوشایند، تداعی خاطرات و تصاویر محیطی مرتبط با مکان است و دلبستگی محله‌ای نیز پیوندهای عاطفی فرد را با محیط اطرافش گره می‌زند (Brown et al., 2003). در این میان، ارتباط متقابل میان پیوندهای اجتماعی و فردی وجود دارد. ابعاد اجتماعی و کالبدی مکان باعلاقه‌های فردی پیوند دوسویه‌ای دارند که مرتبط با هویت مکان و وابستگی به مکان است. بنابراین تلفیقی از ارتباط متقابل میان مکان به‌مثابه محیط کالبدی و اجتماعی و اینکه چگونه مکان از هویت فردی یا اهداف کارکردی حمایت می‌کند، وجود دارد (Raymond et al., 2010). این مقاله با در نظر گرفتن هر دو سطح فردی و اجتماعی، هویت مکان و وابستگی به مکان را به‌عنوان بخشی از دلبستگی به مکان در نظر می‌گیرد. بنابراین دلبستگی به مکان، دربرگیرنده هویت مکان و وابستگی به مکان (پیوندهای فردی به مکان) و علاقه‌های اجتماعی (پیوندهای اجتماعی در مکان) است (Raymond et al., 2010). جدول ۲ واژه‌شناسی کاربردی شاخص‌های مربوط به دلبستگی به مکان را نشان می‌دهد.

نمونه انتخاب محلات

در خصوص نحوه انتخاب محلات هدف در این مقاله، در ابتدا با مشخص کردن شاخص‌های اثرگذار بر موضوع تحقیق که دربرگیرنده معیارهایی همچون: (۱) دسترسی به خدمات شهری، (۲) وجود پارک‌ها و فضای سبز شهری، (۳) تراکم جمعیت نوجوانان (۱۲ تا ۱۶ ساله)، (۴) تراکم خانوار در واحد مسکونی، (۵) کیفیت ابنیه، (۶) اندازه قطعات مسکونی، (۷) کاربری‌های ناسازگار با بافت مسکونی، (۸) امنیت اجتماعی و (۹) کیفیت محیط شهری بود.

قوی‌تر است. این نوع از دلبستگی به مکان از طریق تجربیات شخصی برای فرد معنادار می‌شود. در مقیاس گروهی، مکان معنایی سمبلیک دارد که برای همگان مشترک است. فرهنگ افراد را به مکان از طریق تجربیات و تاریخ، ارزش‌ها و نشانه‌های مشترک پیوند می‌زند. مذهب قادر است معنای مکان مشخصی را تا مکان مقدس ارتقاء دهد. ارتباط مذهبی با مکان می‌تواند شخصی باشد و حتی بر اساس تجربه شخصی مفهومی روحانی یابد (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰).

در پی شبیه‌سازی ابعاد چندگانه دلبستگی به مکان درمیان محققان علیرغم چالش‌هایی، عناصر مشترکی وجود دارد. برخی محققان همچون روگن باک و واتسون^{۱۲} (۱۹۹۲)، ابعاد بیوفیزیکی مکان را با تأکید بر «بستر فردی» که شامل هویت مکان و وابستگی به مکان است، در نظر گرفته‌اند. هویت مکان اشاره به ابعادی از فرد [خود] دارد، همچون آمیزه‌ای از احساسات درباره مکان کالبدی خاص و پیوندهای نمادین به مکان که مشخص می‌کند ما که هستیم (Proshansky et al., 1983). مروری بر مفاهیم مرتبط با هویت نشان می‌دهد که توجه به هویت، هم جنبه معنوی و غیرمادی و هم جنبه کالبدی و مادی دارد. جنبه‌های مختلف هویت نمی‌تواند منفک و منتزِع و مستقل از یکدیگر مطرح شود، و هر کدام از آنها بر دیگری تأثیر دارند، مضافاً این که نه تنها هر شیء واجد هویتی است، بلکه این هویت به صفاتی متصف است که این صفات حاصل عمل آن شیء و معرف ویژگی‌های معنوی آن هویت است که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۴). وابستگی به مکان اشاره به پیوندهای کارکردی یا اهداف موردنظر به مکان دارد و بازتاب‌دهنده وضعیتی است که در آن محیط کالبدی، شرایطی را برای حمایت از کاربری موردنظر فراهم می‌کند. هویت مکان و وابستگی به مکان دربرگیرنده پیوندهای عاطفی در خصوص مکان کالبدی (فیزیکی) است. علت قرار دادن هویت مکان با در نظر گرفتن ماهیت نمادین هویت و وابستگی به مکان با در نظر گرفتن ماهیت کارکردی آن در بستر فردی بدین خاطر است که آنها با پیوندهای فردی به مکان مرتبط هستند. درزمینه دلبستگی اجتماعی، محققان بر این باورند که بسترهای اجتماعی و جغرافیایی

جدول ۲. واژه‌شناسی کاربردی شاخص‌های مربوط به دلبستگی به مکان (Source: Raymond et al., 2010)

ادبیات مربوطه	ترمیم‌ولوژی	شاخص	بستر
Proshansky et al., 1983			
Williams et al., 1992	آمیزه‌های از احساسات درباره مکان کالبدی خاص و پیوندهای نمادین به مکان که مشخص می‌کند ما که هستیم.	هویت مکان	
Williams & Vaske, 2003			
Schreyer et al., 1981			فردی
Williams et al., 1992	پیوندهای کارکردی با تأکید بر پیوندهای کالبدی فردی به محیط؛ به‌عنوان مثال بازتاب‌دهنده وضعیتی است که در آن محیط کالبدی، شرایطی برای حمایت از کاربری موردنظر را فراهم کند.	وابستگی به مکان	
Williams & Vaske, 2003			
Kasarda & Janowitz, 1974	حس تعلق یا عضویت با گروهی از مردم مانند گروه دوستی یا خانوادگی و نیز پیوندهای احساسی بر اساس تاریخ، منافع و دغدغه‌های مشترک	پیوندهای اجتماعی	اجتماعی
Hidalgo & Hernandez, 2001			
Stedman et al., 2004			
Trentelman, 2009			

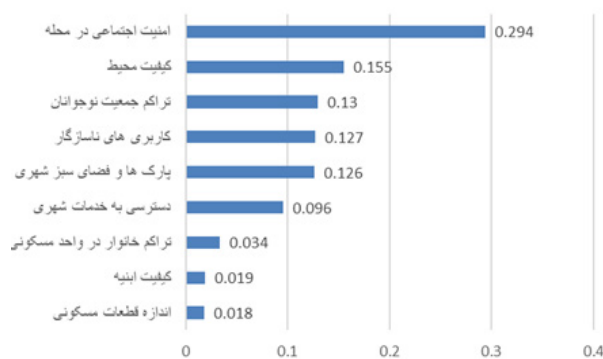
با جایگزین نمودن ارقام فوق در بر اساس رابطه ۱، تعداد نمونه‌های به‌دست‌آمده برابر با ۴۴۳ نفر گردید که با توجه به پراکنش جمعیتی و لزوم معرف بودن نمونه هر محله تعداد ۳۲ نفر به حجم نمونه افزوده و در نهایت ۴۷۵ پرسش‌نامه تکمیل شد به‌نحوی که در هر محله تعداد نمونه کمتر از ۱۰۰ نفر نباشد (دواس، ۱۳۸۳، ۱۰). در جدول شماره ۳، جمعیت و نمونه آماری در محلات چهارگانه تشریح شده است.

سپس در داخل محله‌ها، پاس‌خگویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا تعداد واحدهای مسکونی در هر محله مشخص شد. سپس با تعیین نسبت نمونه‌گیری و پیدا کردن نقطه شروع با استفاده از جدول اعداد تصادفی به درب منازل مراجعه و با در نظر گرفتن نسبت سنی و جنسی با نمونه‌ها مصاحبه به عمل آمد. لازم به ذکر است در خصوص نسبت جنسی گروه‌های مخاطب، ۴۸/۶ درصد دختران و ۵۱/۴ درصد پسران مورد پرسش قرار گرفتند.

نتایج شاخص دلبستگی به مکان

در این قسمت ابتدا به بررسی اعتبار متغیر «دلبستگی به مکان» پرداخته می‌شود. در خصوص بررسی روایی، پرسش‌نامه تحقیق چندین بار توسط اساتید و کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و نظرات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آنان اعمال گردید. برای تعیین اعتبار (پایایی) پرسش‌نامه مذکور تعداد ۳۳ پرسش‌نامه از پرسش‌نامه‌هایی که روایی آنها تعیین و اصلاحات لازم صورت گرفته بود، در محدوده‌های مورد مطالعه به‌عنوان آزمون مقدماتی (مرحله پیش‌آزمون) ۱۳ تکمیل گردید. برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه تحقیق، از تحلیل آماری آلفای کرونباخ (α) استفاده شد که میزان اعتبار متغیر دلبستگی به مکان به شرح زیر تعیین شد و با توجه به میزان آلفا (۰/۷۱۰) این متغیر از پایایی لازم برخوردار است. برای جمع‌آوری اطلاعات

پرسش‌نامه‌های تدوین و بین ۱۵ نفر از متخصصان امور شهری و سایر دست‌اندرکاران مرتبط با مسائل نوجوانان توزیع شد و از آنان خواسته شد تا به شاخص‌های موردنظر امتیاز دهند. سپس پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار EXPERT CHOISE وارد شده و وزن هر شاخص به دست آمد و پرسش‌نامه‌هایی که دارای خطای بالابودند حذف گردید و از بین پرسش‌نامه‌های باقی‌مانده میانگین وزن شاخص‌ها محاسبه شد که شکل ۱ میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۱. میزان اهمیت شاخص‌ها

مقدار حجم نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران و با دقت ۹۵ درصد بر اساس رابطه ۱ برابر است با:

$$n = \frac{Nt^2 s^2}{Nd^2 + t^2 s^2} \rightarrow n = \frac{(12756)(1/96)^2(3/7)}{(12756)(0/176)^2 + (1/96)^2(3/7)} = 443$$

رابطه ۱. به دست آوردن حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران

جدول ۳. جمعیت و نمونه آماری در محلات منتخب

محلّه	جمعیت		نمونه		نمونه تعدیل شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الهیه	۳۳۸۴	۱۹	۸۴	۱۹	۱۰۲	۲۱/۵
نارمک	۴۵۰۵	۳۵	۱۵۵	۳۵	۱۵۴	۳۲/۴
هاشمی	۲۵۶۹	۲۰	۸۹	۲۰	۱۰۴	۲۱/۹
یافت‌آباد	۳۳۹۸	۲۶	۱۱۵	۲۶	۱۱۵	۲۴/۲
جمع	۱۲۷۵۶	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۴۷۵	۱۰۰

از تکنیک پرسش‌نامه استفاده‌شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از طریق نرم‌افزار SPSS انجام شده است. در ادامه شاخص دلبستگی به مکان به همراه کلیه گویه‌های مربوطه و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن توصیف می‌شوند. در این شاخص ابتدا سؤالاتی که طیف یکسانی دارند (مثلاً بر روی طیف ۱ تا ۵ طراحی شده‌اند) در قالب یک جدول توصیف می‌شوند. در خصوص توصیف گویه‌های شاخص

دلبستگی به محلّه، همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، در تمام سؤالات جز سؤال [تا چه اندازه در محل زندگی‌تان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟]، میانگین از نقطه وسط طیف یعنی عدد ۳ بالاتر است. بیشترین میانگین مربوط به داشتن خاطره‌های خوب از محلّه و کمترین میانگین نیز مربوط به وجود مکان‌های خاص در محلّه است.

جدول ۴. نتایج آزمون اعتبار متغیر «دلبستگی به مکان»

تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ بر اساس ایت‌های استاندارد	آلفای کرونباخ
۸	۰/۶۷۳	۰/۷۱۰

جدول ۵. توصیف گویه‌های شاخص دلبستگی به محلّه

مؤلفه	سؤالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
هویت مکان	تا چه حد دوست دارید که در همین محلّه فعلی‌تان زندگی کنید؟	۳/۵۸	۸/۴	۹/۱	۳۰/۱	۲۰/۸	۳۱/۴	۰/۲
	چقدر از محل سکونت خود خاطره‌های خوب و به یادماندنی دارید؟	۳/۷۰	۵/۱	۱۰/۵	۲۵/۵	۲۷/۴	۳۱/۶	۰
وابستگی به مکان	تا چه اندازه در محل زندگی‌تان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟	۲/۹۵	۱۴/۵	۱۹/۲	۳۳/۹	۲۰/۲	۱۱/۶	۰/۶
	فکر می‌کنید اگر بنا به دلایلی مجبور به ترک محلّه خود شوید، چقدر ناراحت خواهید شد؟	۳/۲۴	۱۵/۲	۱۵/۶	۲۳/۴	۲۱/۳	۲۴/۴	۰/۲
پیوندهای اجتماعی	تا چه حد از زندگی در این محلّه احساس آرامش و آسایش می‌کنید؟	۳/۴۹	۷/۶	۸/۴	۳۴/۵	۲۵/۷	۲۳/۲	۰/۶
	تا چه حد در مقابل حفظ و نگهداری محلّه‌تان، احساس مسئولیت می‌کنید؟	۳/۴۵	۷/۴	۱۰/۵	۳۰/۱	۳۳/۱	۱۸/۳	۰/۶
هویت مکان	تا چه حد با همسایگانتان، رابطه دوستانه دارید؟	۳/۱۵	۱۲/۶	۱۴/۳	۳۳/۵	۲۳/۴	۱۵/۸	۰/۴
	در صورت بروز مشکل و ناراحتی تا چه حد به همسایگانتان کمک می‌کنید؟	۳/۱۷	۱۰/۵	۱۲/۴	۳۹/۲	۲۴/۶	۱۳/۱	۰/۲

چهار محله خوشه‌بندی شده و به عبارت دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که از نظر شاخص موردبررسی، کدام محله‌ها شبیه هم و کدام محله‌ها باهم متفاوت هستند.

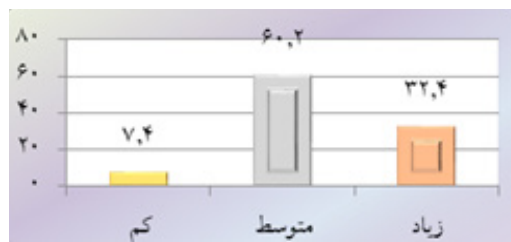
نتایج آزمون F نشان می‌دهد در دو متغیر هویت مکان و وابستگی به مکان و همچنین شاخص دل‌بستگی به محله بین محله‌های موردبررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ یک درصد خطا قابل‌تعمیم به جامعه آماری است. در متغیر پیوندهای اجتماعی بین چهار محله تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد از نظر متغیر هویت مکان دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی مکانی بیشتری دارند. از نظر متغیر وابستگی به مکان نیز دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی وابستگی بیشتری به محله‌شان دارند.

در مجموع نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد که از نظر شاخص دل‌بستگی به محله، دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دل‌بستگی بیشتری به محله‌شان دارند. همچنین با استفاده از «ضریب لامبدا»، مؤلفه‌های دل‌بستگی به محله موردسنجش قرار گرفت. این ضریب حکایت از مقدار ارتباط هر سازه (متغیر مکنون) با معرف‌هایش (متغیرهای آشکار) دارد. وقتی ضرایب لامبدا معنادار باشند، شاهدی بر اعتبار متغیرهای آشکار تحقیق محسوب می‌شوند بدین معنا که تأیید می‌کنند معرف‌های مورد استفاده منعکس‌کننده سازه‌های موردنظر هستند. همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود مؤلفه هویت مکان بیشترین ضریب لامبدا را به خود اختصاص داده و بیشترین واریانس تبیین شده را دارد. بعد از آن مؤلفه وابستگی به مکان قرار دارد و معناداری متناظر با آزمون T نیز در همه مؤلفه‌ها معنادار بوده است.

برای سنجش مؤلفه وابستگی به مکان علاوه بر سؤال‌های مربوط به این مؤلفه که در جدول ۲ ارائه شده است، دو سؤال «طول مدت اقامت در محله» و «محل سکونت قبلی پاسخگویان» نیز پرسیده شد. تجمیع نتایج به دست آمده نمایانگر این است که در محلات منتخب ۱۷/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه، دو سال و کمتر در منطقه ساکن بوده‌اند، ۷.۱۷ درصد بین ۲ تا ۵ سال و ۶۴/۶ درصد بیشتر از ۵ سال در منطقه مقیم بوده‌اند. همچنین در خصوص محل سکونت قبلی، ۵/۵ درصد از افراد نمونه محل سکونت قبلی آنها در سایر نقاط کشور بوده است. ۵/۵ درصد در همین استان، ۲۰/۴ درصد در همین شهر، ۳۸/۳ درصد در همین منطقه و ۳۰/۱ درصد در همین محل سکونت داشته‌اند.

از مجموع ۱۰ سؤال فوق، شاخص دل‌بستگی به محله ساخته شده است. بر این اساس، ۷/۴ درصد پاسخگویان دل‌بستگی کمی به محله خود دارند. ۶۰،۲ درصد دل‌بستگی متوسط و ۳۲،۴ درصد نیز دل‌بستگی زیاد به محله خود دارند (شکل ۲). میانگین ۵۷/۶ از ۱۰۰ حاکی از دل‌بستگی بالاتر از متوسط نوجوانان به محله خود است (جدول ۶).



شکل ۲. شاخص دل‌بستگی نوجوانان (مأخذ: نگارنده)

مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل‌بستگی به مکان

در این قسمت شاخص‌های تحقیق را به تفکیک در چهار محله موردبررسی، مقایسه نموده و برای مقایسه محله‌ها از آزمون F یا تحلیل واریانس یک‌طرفه^{۱۵} استفاده می‌شود. در صورتی که آزمون F بین چهار محله به صورت کلی دارای تفاوت معناداری باشد، برای مقایسه محله‌ها با یکدیگر از آزمون تک‌میلی Tukey استفاده می‌شود. با استفاده از این آزمون در واقع

جدول ۶. توزیع پاسخگویان برحسب شاخص دل‌بستگی به محله

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	مجموع
کم	۷/۴	۷/۴	۳۵	۳۵
متوسط	۶۷/۶	۶۰/۲	۲۸۶	۳۲۱
زیاد	۵۷/۶	۱۰۰	۱۵۴	۴۷۵
جمع	-	۱۰۰	۴۷۵	۴۷۵

جدول ۷. نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دلبستگی به محله

متغیر	محله	تعداد	میانگین	F	معناداری
هویت مکان	الهییه	۱۰۲	۷۰/۲۶۱۴	۱۹/۷۹۲	./۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۵/۰۷۰۳		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳/۸۴۶۲		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۰/۶۵۲۲		
وابستگی به مکان	الهییه	۱۰۲	۶۰/۹۵۵۹	۹/۱۷۴	./۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۰/۷۷۹۲		
	هاشمی	۱۰۴	۵۲/۰۴۳۳		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۴/۴۸۹۱		
پیوندهای اجتماعی	الهییه	۱۰۲	۵۱/۷۱۷۵	۰/۶۱۶	۰/۶۰۵
	نارمک	۱۵۴	۵۵/۶۰۰۶		
	هاشمی	۱۰۴	۵۵/۲۸۸۵		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۳/۲۶۰۹		
شاخص دلبستگی به محله	الهییه	۱۰۲	۶۱/۸۹۸۱	۱۱/۱۵۳	./۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۱/۰۴۴۴		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳/۲۲۹۲		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۳/۰۹۹۰		

جدول ۸. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دلبستگی به محله

تعداد	گروه‌ها	
	۱	۲
۱۱۵	۵۳/۰۹۹۰	
۱۰۴	۵۳/۲۲۹۲	
۱۵۴		۶۱/۰۴۴۴
۱۰۲		۶۱/۸۹۸۱
معناداری	۱/۰۰۰	۰/۹۷۵

جدول ۹. ضرایب لامبدا برای مؤلفه‌های دلبستگی به مکان

مؤلفه	ضریب لامبدا	(C.R) T	معناداری
هویت مکان	۰/۸۵۴	۷/۰۱۴	۰/۰۰۰
وابستگی به مکان	۰/۷۴۱	۶/۹۴۵	۰/۰۰۰
پیوندهای اجتماعی	۰/۳۵۱	-	-

نتیجه‌گیری

مؤلفه‌ها به خود اختصاص داد. بدین معنا که در ارتقاء حس دلبستگی به مکان، مؤلفه هویت مکانی بهتر از سایر مؤلفه‌ها، این رابطه را تبیین می‌کند و تقویت حس هویت به مکان باعث افزایش و ارتقاء دلبستگی به مکان از منظر گروه نوجوان می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. واژه‌ای است که نخستین بار توسط شاعر انگلیسی جان بتجمن (John Betjeman) برای ابراز عشق به مکان خاصی به کار گرفته شد. این واژه ناظر است به حس مکانی قوی که اغلب با احساس هویت فرهنگی میان مردمی خاص و جنبه‌های خاصی از عشق به مکان آمیخته می‌شود.

2. Lalli

3. Feldman

4. Settlement identity

5. Lewicka

6. Scopelliti and Tiberio (2010)

7. Community ties

8. Hur, Nasar, and Chun(2010)

9. Félonneau(2004)

10. Perceived Residential Environment Quality

11. Fried(1982)

12. Roggenbuck & Watson

13. Pilot Test

14. Cronbach's Alpha

۱۵. در آزمون پارامتریک F (تحلیل واریانس یک‌طرفه) متغیر مستقل، اسمی یا ترتیبی سه وجهی یا بیشتر و متغیر وابسته فاصله‌ای است. این آزمون گروه‌ها را از نظر میانگین نمره متغیر وابسته باهم مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری اختلاف بین میانگین گروه‌ها را بررسی می‌نماید.

دلبستگی به مکان، اشاره به علاقه‌ها یا پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص دارد و به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آنها از محیط است که فرد را در ارتباطی عاطفی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص- که در این مقاله نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله از محلات منتخب را شامل می‌شود- می‌گردد. با توجه به اهمیت این حس در ارتقاء کیفیت محیط‌های عمومی شهری، در این مقاله به بررسی حس دلبستگی به مکان و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن که دربرگیرنده هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوندهای اجتماعی است، پرداخته شد.

بر اساس نتایج به دست آمده از یافته‌های توصیفی محلات منتخب، بیشترین میانگین به دست آمده با (۳/۷۰) مربوط به داشتن خاطره‌های خوب از محله و کمترین میانگین (۲/۵۹) نیز مربوط وجود مکان‌های خاص در محله از مؤلفه هویت مکان بوده است. همچنین میانگین ۵۷/۶ از ۱۰۰ حاکی از دلبستگی بالاتر از متوسط نوجوانان به محله خودشان بوده است.

در رابطه با تحلیل آزمون‌های آماری، نتایج آزمون F نشان داد که در دو متغیر هویت مکان و وابستگی به مکان و همچنین شاخص دلبستگی به محله بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود داشته و تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ یک درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است حال آنکه در متغیر پیوندهای اجتماعی بین چهار محله تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین با توجه به تفاوت معنادار در میان مؤلفه‌های هویت

مکان و وابستگی به مکان و شاخص دلبستگی به محله، آزمون Tukey به کار گرفته شد تا مشخص شود که کدام محله‌ها از نظر شاخص دلبستگی به مکان و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن، شبیه به یکدیگر بوده و در یک خوشه قرار می‌گیرند. برای مؤلفه پیوندهای اجتماعی به دلیل آن که تفاوت معناداری در میان چهار محله دیده نشد، از این آزمون استفاده نکردید. در پایان نیز از میان مؤلفه‌های اثرگذار بر شاخص دلبستگی به مکان، مؤلفه هویت مکان با ضریب لامبدا ۰/۸۵۴ بیشترین واریانس تبیین شده را نسبت به سایر

فهرست مراجع

12. Case, D. (1996). Contributions of journeys away to the definition of home: An empirical study of a dialectical process. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 1-15.
13. Feldman, R.M. (1990). Settlement Identity: Psychological bonds with home places in a mobile society. *Environment and Behavior*, 22, 83-229.
14. Fleury-Bahi, G., Félonneau, M & Marchand, D. (2008). "Processes of Place Identification and Residential Satisfaction", *Environment and Behavior*, 5, 669-682. Accessed March, 2010, from <http://online.sagepub.com>
15. Félonneau, M. L. (2004). Love and Loathing of the City: Topological Identity and Perceived Incivilities. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 43-52.
16. Fried, M. (1982). Residential attachment: Sources of residential and community satisfaction. *Journal of Social Issues*, 38, 107-119.
17. Giuliani, M. V. (2003). *Theory of attachment and place attachment*. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues*, (pp. 137-170). Aldershot: Ashgate.
18. Gustafson, P. (2001). Roots and routes: Exploring the relationship between place attachment and mobility. *Environment and Behavior*, 33, 667-686.
19. Hay, R. (1998). Sense of place in developmental context. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 5-29.
20. Hidalgo, M. C., Hernandez, B. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281.
21. Hur, M, L., Nasar, J., & Chun, B. (2010). Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived naturalness and openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 52-59.
22. Kamalipour, H., Yeganeh, A. J., & Alalhesabi, M. (2012). Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments: A Residential Complex Case Study. *Social and Behavioral Sciences*, 35, 475-469.
1. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ فروزانگهر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟). *هویت شهر*. ۳، ۲۳-۱۳.
۲. دانش پور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ و چرخیان، مریم. (۱۳۸۸). تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و عوامل مختلف آن. *هنرهای زیبا*. ۳۸، ۴۸-۳۷.
۳. دواس، دی. ای. (۱۳۸۳). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. (هوشنگ نایی، مترجم)، تهران: نشرنی.
۴. قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۹۰). *تأثیر طراحی فضای باز مجتمع مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان*. پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه تهران، تهران.
۵. مدیری، آتوسا. (۱۳۸۷). *مکان. هویت شهر*، ۲، ۷۹-۶۹.
6. Altman, I., & Low, S. (1992). *Place attachment*. New York: Plenum Press.
7. Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19, 331-352.
8. Bonaiuto, M., Fornara, Ferdinando & Bonnes, M. (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome, *Journal of Landscape and Urban Planning*, 65, 41-52.
9. Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sence of Place as an Attitude: Lakeshore owners Attitudes toward their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
10. Brown, B.B., & Warner, C.M. (1985). Social cohesiveness, Territoriality and holiday decorations. *Journal of Environment and Behavior*, 17, 539-565.
11. Brown, B., Perkin, D., & Brown, G. (2003). Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 259-271.

23. Kasarda, J. D., & Janowitz, M. (1974). Community attachment in mass society. *American Sociological Review*, 39, 328-339.
24. Lalli, M. (1992). Urban related identity: Theory, measurement and empirical findings. *Journal of Environmental Psychology*, 12, 285-303.
25. Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230.
26. Livingston, M., Bailey, N., & Kearns, A. (2008). *People's attachment to place: the influence of neighborhood deprivation*. Project Report. Chartered Institute of Housing/Joseph Rowntree Foundation, Coventry, Glasgow.
27. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental Connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 422-434.
28. Milligan, M. J. (1998). Interactional past and potential: the social construction of place attachment. *Symbolic Interaction*, 21, 1-33.
29. Mesch, G. S., & Manor, O. (1998). Social ties, environmental perception, and local attachment. *Journal of Environment and Behavior*, 4, 504-519.
30. Proshansky, H., & Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
31. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
32. Riger, S., & Lavrakas, P. J. (1981). Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*, 9, 55-66.
33. Scopelliti, M., & Tiberio, L. (2010). Homesickness in university students: The role of multiple Place attachment. *Journal of Environment and Behavior*, 42, 335-350.
34. Stedman, R., Beckley, T., Wallace, S., & Ambard, M. (2004). A picture and 1000 words: Using resident-employed photography to understand attachment to high amenity places. *Journal of Leisure Research*, 36(4), 580-606.
35. Stokols, D., & Shumaker, S. A. (1981). *People in places: A transactional view of settings*. In J. H. Harvey (Ed.), *Cognition social behavior and the environment* (pp. 441-488). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
36. Terkenli, T. S. (1995). Home as a region. *Geographical Review*, 85(3), 324-334.
37. Trentelman, C. K. (2009). Place attachment and community attachment. *Society and Natural Resources*, 22, 191-210
38. Tuan, Y. F. (1980). Rootedness versus sense of place. *Journal of Landscape*, 24, 3-8.
39. Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J.W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Sci*, 14, 29-46.
40. Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Journal of Forest Science*, 49, 830-840.
41. Woldoff, R.A. (2002). The Effects of Local Stressors on Neighborhood Attachment. *Journal of Social Forces*, 81, 87-116.

Study of Effective Components on Place Attachment in Terms of Tehran City Teenagers

Zahra Khodaei, Ph.D, Student in Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran , Iran.

*Mojtaba Rafiean**, Ph.D., Faculty Member of Urbanization Department, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Hashem dadashpoor, Ph.D ., Faculty Member of Urbanization Department, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran , Iran.

Ali akbar Taghvayee, Ph.D., Faculty Member of Urbanization Department, Faculty of Art, Tarbiat Modares University.

Abstract

Place attachment is the complex and multi-level concept that people with emotional ties to a specified location, is defined as part of Place. Sense of place attachment is the cognitive and emotional link between human and the environment that is rooted in the individual's characteristics and past experiences, So this feeling is caused the spaces inverted to place with sensory attributes and specific behaviors for the people.

This article clarify the factors affecting the place attachment, including the place identity, place independence and social connections which is measuring and comparing them in the selected neighborhoods of Tehran city in the viewpoint of teenager group. Infact, The aim of this study was to clarify attachment to the place of teenagers, living in selected cummunities of the city of Tehran. The main question raised in this research is what procedures and how much are effected on the interest of the teenage people living in urban community?

This essay embarks for a research on the Effect of "Place Attachment" on certain chosen districts in the City of Tehran. The method of research and study in this essay has been an analytical and dialectic process.

This study has been concluded with dispersion of 475 among teenagers between ages 12 to 16 from certain districts of Tehran city such as Elahie, Narmak, Hashemi and Yaftabad District. It is quite necessary to be mentioned that all these districts were chosen in an analytical and systematic way. In this essay the effective factors of "Place Attachment" were basically researched and discovered in those four districts separately.

According to the aim of the measure variables Pearson correlation tests, F test, T test and Tukey was used.

In relation to the analysis of statistical tests, F test results showed that the place dependence and place identity as well as place attachment index has significant difference between neighborhoods. However, there was no difference in the variable of social ties among the four neighborhoods. Therefore, due to significant differences in the components of place identity, place independence and place attachment index, Tukey's test was applied to determine which neighborhoods in terms of place attachment and from its components, are similar to each other and could be in the cluster.

Considering the meaningful correlation among examined components or studied curves, in general the Tukey test indicates that regarding the "place attachment", two districts of Yaftabad and Hashemi stand in one category, and the two districts of Narmak and Elahyein another category either. Study of these two categories indicates that the Narmak and Elahiye teenagers have more social connection of place attachment than the teenagers of Yaftabad and Hashemi. Finally, Among the factors affecting the place attachment index, place identity with Lambda coefficient of 0.854 has greatest variance accounted for the other components. So, this means that in promoting the sense of place attachment, place identity is explained this relation better than the other components and strengthen a sense of place identity increases the sense of place attachment from the views of teenager group.

Keywords: District Entity, District Affiliation, Place Attachment, Social Connection.

* Corresponding Author: Email: rafiei_m@modares.ac.ir